

محظوظ است عین و در دبستان تحقیق با مال مطلع و مقطع جمل کابی  
 سواد خط بر کار روشن است و در درگاه تعیین در ملا جلالت و روی و رنگ  
 مضمون معنی عینت مبرهن **عزل** در بهای غنی چه سارنگ مضمون کلمت چه شگفتن  
 موج زد لیل زیر مشق رنگ بند شونجی زنگار اگر چه پرده رنگ جناس است چون  
 بر دهن جسد صفا برده دار رنگ شده ان صد اگر تو مشرق نقاب باز بوده  
 ناگهان چون پیرین بر دهن نشت رنگ شونجی شونجی را که چه بوده رنگ جیاست  
 دیده پوشیده با خورشید سیر و حد **نماز** و اگر در کشتی از رنگ شده  
 بر برافشا نه شما پهنه نیکه می کند بال بر تم بر تجم پهنه جو اهر رنگ شده  
 ظا هر اینجا باطن است باطن اینجا ظا هر است موش حیرت چه او فهم معنی رنگ شده  
 هیچ سنج و دره جلان اکایی بنوده کوشش با پای برداش کشت رنگ شده  
**تأمل** در کفران خورشید جهان که فهم کیتا سر با بنا جنت بردار و جنون نشا  
 کم خیز که عالم را از غم بر دارد خیال چه چند برفش اند ز عالم دل بر دهن  
 نراند چه ممکن است سعی و حفت بغزتم از وطن بر ارد **درست** سخن درین کلمات  
 که نو باری نمک و سامان هوای رنگ کلمت ز خاک کم اگر بر همین بر ارد **ندارد**  
 از طبع ما فرودن بغیر پرواز پیش بر دهن که رنگ عاشق ز بهار صبح  
 بری بقدری سکن بر ارد ز بهلوی چند بجهت قویست پشت نا توانان  
 سزد هر چون شک لو با هم ز چاه غم با رسن بر ارد دل ستمد به عمر باشد  
 ندر او از سوختن ربای **بلند** نشای ای مشک خود را چه شمع ازین بجز بر ارد  
 بر ارد

نشت

نشنا

امید نا توانان

بر ارد ز خاکت و فابنا در غبار شکا مد بقین • دلیر صبح قیامت الکر که مرده  
 سر از کفن بر ارد • بان سر و برک مغنیه کبر ز بر که اندر نه فتنه • مباد چون بینه  
 خود غای سرت از دل کین بر ارد • قدم با نشت کین فشردن • ز عاقبت نیت  
 صرف بر دهن • نقاشی قالب بهر غاید و میک و دوا ز دهن بر ارد • داغ اهو وفا  
 چند بر لب انداز خسته ستای • سحر محالست اگر نفس را بدست به سخن بر  
 عیار اسباب صد صفای بسند بخود کجاست عریانه از ما از نجات پیرین  
 بر ارد • باین صفای رنگ زرد دم که با ذکا که فطرت • قلم با یسند پاک ساز  
 و میک تصور بر دهن بر ارد • **تجرا** اضطرار رنگی ندارد از اعتبار همت • چه عیبت  
 انگر غیر رنگ غیر خفته را ز خر که مرد زن بر ارد • نفس بصید با پس میکند ارم و ک  
 ز عالم بر پس پیدل • چه شمع رحم ست بر کسی که مرکز از سوختن بر ارد  
 دو رو سخن در نزول در قول ملا نیک است • از عرش لظن بود  
 اباد عالم تصرف و تدبیر و کار فوای • ایمان مملکت به حکم کمال قدرت  
 و تاثیر هر جا از عشق دمندم نشود در بنای تصور انداخت • و هر کجا از حسن  
 ادانوه ایمنه خانه سخن بر دهن • با فسون مبتدای فطرت علقای غیب  
 اشبان • مغز رشته بر پای تحریک نفس • و با نیای جرس اهل ک قدر  
 قافله اسرار بقدرت • جاده های مطالب عشق و هوس لب کش لطف  
 تابشورش بری افشا نده • دم از دهاست • و مردم خار و زلال خفته  
 الشفا نش • تا بهلوی موج کور اند • طوفان انشت • در زمینها رسد

بر ارد

دم زد